

## کارگردان بازدارندگی مجازات اعدام

تاریخ دریافت: 93/07/20

تاریخ پذیرش: 93/11/27

عبدالحسین رضائی راد<sup>۱</sup>

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

بتول سلیمانی<sup>۲</sup>

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شهید چمران

ولی مریدی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی واحد جنوب غرب اهواز

### چکیده

یکی از شدیدترین کیفرهایی که از دیرباز در مجموعه قوانین جزایی پیش‌بینی شده و به‌واقع ابزار مشترکِ تنبیه در سراسر تاریخ بوده است، همانا کیفر مرگ نسبت به مجرمانی است که مهم‌ترین جرائم را مرتکب شده‌اند. مجازاتی که با ماهیت تردیلی و تریبی به حذف ابدی مجرم می‌انجامد و در اغلب موارد با این هدف به کار می‌رود که با کشتن مرتکب، دیگر شاهد تکرار آن رفتار بزهکارانه نباشیم. در این مقاله تأثیر کیفر اعدام در بازدارندگی از جرائم جنسی مستوجب اعدام، قتل عمد و مواد مخدر مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش‌های انجام‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که کیفر اعدام و ترس از آن برای ایجاد ارعاب و واهمه در نهاد اشخاصی که مصمم به ارتکاب این جرائم هستند، مؤثر واقع نشده است. مواجهه با جرم از طریق دستگیری و مجازات از طریق سلب حق حیات (اعدام)، مبارزه با معلول است

---

<sup>۱</sup>- Email: ahrr39@scu.ac.ir

<sup>۲</sup>- Email: Batool.Soleymani@yahoo.com نویسنده مسئول

و چاره‌ی قطعی کنترل رفتارهای مجرمانه نیست. این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است و با مراجعه به اسناد و مدارک آماری، به مطالعه کارکرد بازدارندگی کیفر اعدام در سه جرم یادشده می‌پردازد. هدف این تحقیق، زمینه‌سازی در جهت تعدیل قوانین کیفری، اصلاح فرد و جامعه، ارتقاء سطح امنیت اجتماعی، کارآمدتر شدن مجازات‌ها برای بهبود وضع جامعه و افزایش نقش بازدارندگی مجازات اعدام در پیشگیری از جرم است.

**واژگان کلیدی:** کیفر اعدام، بازدارندگی، جرم، قتل عمد، مواد مخدر،

جرایم جنسی مستوجب اعدام.

#### مقدمه

اندیشه مقابله با جرم هم متضمن توجیه چرایی و ضرورت اصل این کار بوده و هم توجیه مجازات و کارکردهایش. در توجیه مجازات، نظریه «بازدارندگی مجازات» یکی از کهن‌ترین آن‌هاست. نظریه‌ای که از آغاز تا کنون، ارباب و عبرت‌انگیزی را به‌عنوان غایت اعمال مجازات معرفی کرده و با تمرکز بر این بُعد از مجازات و ایجاد هراس و واهمه در اذهان عمومی، در پی مقابله با انگیزه‌ها و وسوسه‌های مجرمانه و درنهایت تقلیل نرخ واقعی جرائم و برقراری امنیت اجتماع بوده است.

بنابراین می‌توان گفت مقوله «بازدارندگی مجازات» از مهم‌ترین اهداف مجازات است. هدف تقلیل گرایانه‌ای که از دیرباز در چهارچوب کارکرد فایده‌مند کیفر، تکوین یافته است و با نگرستن به افق‌های پیش رو، اعمال مجازات را نه با هدف جبران گذشته‌ای تاریک و انتقام از مجرم -آن‌چنان که در رویکرد سزادهی مطرح است- بلکه با هدف ساختن آینده‌ای روشن لازم می‌انگارد. بدین سان سیاست اصلی دیدگاه بازدارندگی، تهدید به مجازات کیفری یا اجرای آن برای کاهش انگیزه جرم است؛ یعنی استفاده از مجازات به‌عنوان بازدارنده‌ای که مانع تکرار جرم از سوی مجرم شده و نیز به‌شکل کلی انگیزه دیگران را برای ارتکاب همان جرم کاهش دهد (دادبان، 1388: 127).

اساسی‌ترین پرسشی که این پژوهش در پی پاسخ آن است این است که آیا کیفر اعدام، مناسب‌ترین و مؤثرترین روش برای پیشگیری از ارتکاب جرائم جنسی مستوجب اعدام، قتل عمد و مواد مخدر است یا خیر؟ بر این اساس، فرضیه اصلی این پژوهش آن است که تشدید مجازات، نقش فوق‌العاده‌ای در پیشگیری از جرائم نداشته و شناخت علل ارتکاب جرائم و اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه و اصلاحی، ضروری‌تر و مؤثرتر از واکنش‌های کیفری محض است. در این مقاله، ضمن اشاره‌هایی گذرا در باب اهداف مجازات، بازدارندگی به‌عنوان یکی از مشهورترین و قدیمی‌ترین نظریه‌های توجیهی مجازات بررسی می‌شود. آن‌گاه کارکرد بازدارندگی اعدام در جرائم جنسی، قتل و مواد مخدر در سه مبحث جداگانه مورد توجه خاص واقع می‌شود.

### الف- اهداف مجازات

نوع نگاه به مجرمان و به‌دنبال آن اهداف مجازات، در طول تاریخ دست‌خوش تحولات زیادی بوده است، به‌نحوی که به‌تناسب ترسیم تصویری خاص از شخص مرتکب جرم، شاهد رقم‌خوردن اهدافی چند برای مجازات‌ها هستیم؛ اهدافی که در طیف گسترده «سزادهی و انتقام‌جویی»، «ارعاب و بازدارندگی»، «اصلاح و بازپروری»، «ناتوان‌سازی و حذف مجرمان» قرار دارند.

نظریه‌هایی که در باب اهداف مجازات ارائه شده‌اند، در قالب دو دسته کلی قرار می‌گیرند؛ نظریه‌های وظیفه‌گرا یا تکلیف‌بنیاد (تئوری سزاگرایی) که کارکردی اخلاقی از مجازات را موردنظر دارند و نظریه‌های فایده‌گرا که فایده‌مندی اجرای مجازات را مورد توجه قرار می‌دهند (بولک، 1372: 19-20). در بررسی هدف فایده‌مندی مجازات می‌توان به طرح آن در سه حوزه پرداخت:

الف- عبرت‌آموزی و ارعاب‌انگیزی (بازدارندگی خاص و بازدارندگی عام)؛

ب- بازسازی اجتماعی مجرم و بازپروری او<sup>۱</sup>؛

ج- ناتوان‌سازی<sup>۲</sup> و حذف مجرمان (غلامی، 1387: 60-59؛ محمودی‌جانکی و آقایی، 1387: 342).

در این مقاله، تنها به یکی از این اهداف که عبارت است از بازدارندگی، پرداخته می‌شود.

## ب- بازدارندگی

### 1- تعریف لغوی و اصطلاحی بازدارندگی

بازدارندگی یکی از نظریات حقوق کیفری و جرم‌شناسی است که در چهارچوب کارکرد فایده‌مند کیفر، تکوین یافته و ریشه‌های آن را باید در اندیشه‌های بکاریا و بتام و در قرن 18 میلادی جست‌وجو کرد (میرزایی‌مقدم، 1389: 175). مبانی نظریه بازدارندگی را باید در اصول اولیه مکتب کلاسیک حقوق جزا جست‌وجو کرد. معمولاً، نویسنده ایتالیایی، سزار بکاریا (94-1738) را به‌عنوان بنیانگذار این مکتب می‌شناسند. این اصول از رساله جرائم و مجازات‌های او که برای اولین بار در سال 1764 به چاپ رسید، استخراج می‌شوند.<sup>۳</sup>

بازدارندگی در لغت برگرفته از مصدر «بازداشتن» و به‌معنای منع کردن و جلوگیری کردن است. در زبان انگلیسی، معادل واژه (Deterrence) است که به‌معنای بازداشت و منع و به‌ویژه منع از راه ارعاب و تهدید تعریف شده است.<sup>۴</sup>

در توضیح اصطلاحی این واژه، گیبس ضمن بیان این نکته که «تعریف هیچ‌یک از نتایج احتمالی مجازات بیش از تعریف بازدارندگی مشکل نیست»، این‌گونه به تعریف آن می‌پردازد: «این کافی است که بازدارندگی را تعریف کنیم به ترک یا کاهش ارتکاب عمل مجرمانه به‌وسیله یک فرد، به‌طور کلی یا جزئی؛ برای آن که فرد درمی‌یابد ترک یا کاهش آن

۱. Rehabilitation

۲. Incapacitation

3. سزار بکاریا، (1377)، رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.

4. Oxford University, 2006, p. 201

عمل (مجرمانه) خطر تحمل مجازات را که هرکسی در صورت ارتکاب جرم متحمل آن می‌شود کاهش می‌دهد» (غلامی، 1387: 97-96). در تعریفی دیگر از بازدارندگی، پروفیسور ژان پل برودر<sup>۱</sup>، استاد جرم‌شناسی دانشگاه مونترال بیان می‌کند: «منظور از بازدارندگی قابلیت تولید نتایج پیشگیرانه از طریق اقدامات واکنشی است. با وجود این واقعیت که مداخله واکنشی پلیسی پس از ارتکاب جرم (یعنی زمانی که جامعه در پیشگیری شکست خورده است) صورت می‌گیرد» (محمدنسل، 1387: 114).

مقوله بازدارندگی مجازات که در بطن آن، کاهش آمار واقعی جرائم توسط ارعاب‌انگیزی، پاسخی واضح به چرایی همیشگی مجازات است، از دیرباز در قالب‌های مختلفی عنوان شده، به‌نحوی که با مطالعه قوانین کهن، ارعاب و عبرت‌انگیزی (بازدارندگی خاص و عام) را در ردیف اول اهداف مجازات خواهیم دید. هدف ارعاب‌انگیزی در کهن‌ترین دوران (از جمله در دوران ایران باستان) حاکم بوده است و اگرچه کارایی واقعی ارعاب‌انگیزی جمعی توسط بسیاری از متخصصان به‌نام از جمله نورماندو و شوارتر<sup>۲</sup> مورد تردید واقع شده است، ولی امروزه نیز گه‌گاه تجلی می‌کند. هدف مزبور به‌ویژه در قالب اعمال تنبیه‌های وحشتناک و بی‌رحمانه، به‌منظور ترساندن بزهکاران احتمالی، جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرمان و به وحشت انداختن اطرافیان آنان از طریق نمایش صحنه فجیع تنبیه، تحقق می‌یافت (بولک، 1372: 22؛ پیکا، 1370: 89).

ولی تجربه نشان داد که این بی‌رحمی، اثر عملی بر تحول حجم و نرخ بزهکاری نداشته است. بکاربای، با این که طرف‌دار سرسخت سیاست ارعاب بود، اما شکست شدت عمل‌های افراطی و خصیصه تنفر بار آن‌ها را نشان داد و توجه را به امکان تحقق این سیاست از طریق اعمال کیفرهای معتدل، ولی از نظر اجرا سریع و حتمی معطوف داشت (بولک، 1372: 22). بیشتر پژوهشگرانی که به بررسی شدت مجازات پرداخته‌اند، رابطه معناداری میان مفهوم

۱ . Jean- Paul Brodeur

۲ . Normandeau and Schwartz

شدت<sup>۱</sup> مجازات و ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم کشف نکرده‌اند. این به این معناست که شدت مجازات و به عبارتی جنبه ارعابی شدید آن تأثیر بازدارنده ویژه‌ای در عدم ارتکاب جرم نمی‌تواند داشته باشد (غلامی، 1387: 98).

بعد از تشریح مفهوم لغوی و اصطلاحی بازدارندگی، بررسی انواع آن ضرورت می‌یابد.

## 2- اقسام بازدارندگی

همان‌گونه که گفته شد، مراد از بازدارندگی، اتخاذ تدابیری است که از جرم انصراف ایجاد کند. از این دیدگاه، دو نوع بازدارندگی در حقوق جزا مطرح می‌شود: بازدارندگی عام و خاص که در جرم‌شناسی به آن پیشگیری کیفری عام و خاص می‌گویند (نجفی‌ابرنه‌آبادی، 1391: 639).

### 1-2- بازدارندگی خاص<sup>۲</sup>

بازدارندگی خاص به این معنی است که ترس ناشی از مجازات یا تحمل آن موجب می‌شود که بزهدار از ارتکاب جرم در آینده خودداری کند. این مفهوم از آن جهت به‌عنوان بازدارندگی خاص شناخته می‌شود که فرض بر این است تحمل مجازات در حال حاضر، موجب ترس از تحمل آن به‌خاطر ارتکاب جرائم بعدی و در نتیجه انصراف از ارتکاب آن‌ها در آینده خواهد شد (غلامی، 1387: 63-62).

### 2-2- بازدارندگی عام<sup>۳</sup>

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، مفهوم بازدارندگی متضمن این معنی است که تهدید ناشی از مجازات یا ترس از تحمل آن موجب پیشگیری از ورود فرد به عرصه فعالیت مجرمانه می‌شود. در مقابل مفهوم بازدارندگی خاص که به توضیح آن پرداخته شد، بازدارندگی عام بر این مبنا استوار است که اشخاص به‌طور غیرمستقیم و به‌واسطه تحمل

۱. severity

۲. Specific deterrence

۳. General deterrence

مجازات بر بزهکاران مورد تهدید قرار می‌گیرند. آنان با دیدن یا شنیدن حادثه تحمیل مجازات بر یک بزهکار، رفتار خود را بیش از پیش کنترل کرده، از ارتکاب جرم خودداری خواهند کرد. این مفهوم بر این پیش‌فرض‌ها استوار است که عموم انسان‌ها «عاقل» بوده و با در نظر گرفتن هرگونه «خطر» احتمالی - در اینجا احتمال تحمل مجازات - از ارتکاب عمل مجرمانه خودداری خواهند کرد (غلامی، 1387: 67-66).

بنابراین، در این رویکرد آن دسته از اشخاص جامعه که گرایش‌های بزهکارانه دارند نه از روی تمایل حقیقی و نه به دلیل عوامل درونی، بلکه به واسطه وجود عاملی بیرونی - یعنی کیفر هراس‌انگیز - از بزهکاری انصراف می‌دهند. زیرا ایده محوری این نظریه که مبتنی بر ارباب است، آن است که ترس از دستگیری و اعمال ضمانت اجرای کیفری، سبب روی گردانی مجرمان از اعمال مجرمانه می‌شود (محمودی‌جانکی و آقای، 1387: 345).

پس از توضیحات یادشده، اکنون زمان آن رسیده که کارکرد بازدارندگی کیفر اعدام در جرائم جنسی مستوجب اعدام، قتل عمد و مواد مخدر بررسی شود. به عبارت دیگر، در این جا در مقام بررسی این مطلب هستیم که آیا کیفر اعدام در مورد سه جرم یادشده، به عنوان مجازات مؤثر می‌تواند عمل کند و از ارتکاب این جرائم پیشگیری کند و یا حداقل موجب کاهش این جرائم شود؟

### مبحث اول - جرائم جنسی مستوجب اعدام

یکی از غرایز مهم به ودیعت نهاده شده در وجود آدمی، غریزه جنسی است. غریزه جنسی از دیدگاه اسلام، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های اسلامی و حکیمانه‌ترین وسیله‌ای است که تداوم زندگی بشر و بقای نوع انسان را تضمین می‌کند. اسلام، نیاز بشر به تمتعات جنسی را به صورتی معقول و منطقی پذیرفته و نه تنها میان معنویت و بهره‌مندی از لذات جنسی منافاتی نمی‌بیند بلکه بهره‌مندی مشروع از این غریزه را شرط تکامل معنوی انسان و یکی از بهترین اسباب و وسایل وصول به سعادت واقعی می‌داند.

در نظام اخلاق جنسی اسلام، استمتاع و التذاهای جنسی تنها محدود به ازدواج

قانونی بوده و کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، ممنوع است (مؤمن، 1389: 125-124). شارع مقدّس، شدیدترین مجازات‌ها را به این جرائم اختصاص داده است که در مواردی از تازیانه گذشته و به حد اعدام، آن هم خشونت‌آمیزترین نوع آن می‌رسد؛ زیرا چنین عملی اصل جامعه انسانی و وجود آن را در معرض نابودی گذارده و اخلاق را که از ارکان اساسی جامعه است دست‌خوش سستی و اضمحلال قرار می‌دهد.

جرائم جنسی که طبق حقوق کیفری ایران - که مبتنی بر فقه امامیه است - مشمول کیفر اعدام می‌شوند بر دو گروه هستند: 1- بعضی از انواع زنا؛ 2- لواط.

### 1- زنا

زنا در لغت به معنی نزدیکی کردن با زن بدون خواندن عقد شرعی (طریحی، 1408: ق. 295) و در اصطلاح عبارت است از جماع مردی با زنی که ذاتاً بر او حرام است، یعنی منافی عفت را با زنی که محرم است بر او، بدون ازدواج و بدون وجود شبهه و بدون آن که زن ملک او باشد، انجام دهد (نجفی، 1363: 286-285).

با توجه به اقوال و نظریات فقها و حقوق‌دانان اسلامی در چهار مورد، زنا مستوجب اعدام خواهد بود. این چهار مورد عبارتند از: زنا<sup>۱</sup> محصنه<sup>۱</sup>، زنا با محارم، زنا با عُنُف یا اکراه، زنا غیر مسلمان با زن مسلمان.

### 2- لواط

لواط، زشت‌ترین و زیان‌بارترین جرمی است که موجب از هم پاشیدگی و تباهی

۱. زنا محصنه، به نوعی از زنا اطلاق می‌شود که یکی از طرفین یا هر دو متأهل بوده و در عین حال مرتکب فعل زنا شوند. به عبارت دیگر، اگر زن یا مرد متأهل با شرایطی مرتکب زنا شوند، زانی محصن یا زانیه محصنه خواهند بود. اگرچه مطابق روایت‌ها و فتاوی فقهای اسلام مجازات زنا محصنه رجم (سنگسار) است؛ اما ماده 225 قانون جدید مجازات اسلامی مصوب 1392 مقرر می‌دارد: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه، رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است ...».



خانواده‌ها می‌شود و جامعه را به اضمحلال و نیستی تهدید می‌کند. از آن‌جا که لواط عبارت است از روابط جنسی بین دو مرد اعم از این که ایقابی واقع شده باشد یا خیر، در فتوای فقها تفصیل بین این دو حالت مشاهده می‌شود. / امام خمینی (قدس سره الشریف) در تحریر الوسیله پس از این که لواط را به صورت زیر تعریف می‌کند: «لواط نزدیکی دو مرد است به وسیله ایقاب و غیر آن»، می‌فرماید: «اگر نزدیکی کند و ایقاب صورت گیرد قتل بر او و مفعول واجب می‌شود البته در صورتی که هر دو بالغ، عاقل و مختار باشند و هرگاه نزدیکی موجب ایقاب نشود مثل تفخیز و غیره، در این صورت حد آن، صد ضربه تازیانه است بدون فرقی بین محصن و غیر آن» (خمینی، بی تا: 469-470).

قانون جدید مجازات اسلامی پس از تعریف لواط در ماده 233، در مورد کیفر آن در ماده 234 بیان می‌دارد: «حد لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است».

### 3- کارکرد بازدارندگی اعدام در جرائم جنسی

در ابتدا باید به این نکته توجه داشت که غریزه جنسی یکی از پدیده‌هایی است که به سرعت رشد می‌یابد و دگرگونی‌های عمیقی در فرد ایجاد می‌کند. این غریزه که نقش بسیار پر اهمیتی در زندگی اشخاص ایفا می‌کند زیر نفوذ اندک تحریکی به خوبی قادر است از یک انسان عادی، یک فرد منحرف و مجرم جنسی بیافریند (مظلومان، بی تا: 137).

یکی از مسائل بسیار مهم جوانان را می‌توان تمایلات جنسی شدید آنان نام برد. البته تمایلات جنسی به یک‌باره در این دوره بروز نمی‌کند، بلکه در دوران جوانی افزایش می‌یابد و اگر تحریک و منع شود، به صورت امیال مفرط جنسی در می‌آید و به تمایلات شدیدتر منتهی می‌شود و گاه به کج‌روی‌های جنسی از جمله هم‌جنس‌بازی، زنا یا به‌عنف، زنا یا محارم و ... می‌انجامد (فرجاد، 1374: 110).

از دیدگاه جرم‌شناسی، محرومیت‌های جنسی، مشکلات و موانع ازدواج، سنت‌ها و

آداب و رسوم غلط رایج، تحریکات شدید و ...، از عوامل آفرینش سوءقصد های جنسی به شمار می آید (مظلومان، بی تا: 104). البته اگر چه عدم امکان ازدواج، عامل بزرگی در به وقوع پیوستن تجاوز های جنسی است، اما نباید این نکته را فراموش کرد که در صورتی که ازدواج تحمیلی و ناخواسته باشد موجب می شود شخص در عین برخورداری و تمتع از همسر قانونی و مشروع، در معرض اشتیاق نامشروع و سیر نشدنی «نفس اماره» قرار گیرد و به راه خطا و انحراف برود. نمی توان پیش بینی کرد که تا چه اندازه چنین ازدواج های تحمیلی، عشیره ای، ناخواسته، مصلحتی، اقتصادی و قومی زیان بخش و مضر است و اساس خانواده را متزلزل می سازد. اما به جرأت می توان گفت که یکی از عوامل مؤثر در به انحراف کشیده شدن زوج ها، همین ازدواج های اجباری است (قرائی مقدم، 1379: 80).

از سوی دیگر، کیفیت رابطه زناشویی، بزرگ ترین پیش گوی ثبات زناشویی است. هر چه کیفیت رابطه زناشویی بیشتر باشد، ثبات زناشویی بیشتر می شود. کیفیت زناشویی کم، بی ثباتی را افزایش می دهد (فرامری، 1388: 48-53) و این بی ثباتی در انحراف جنسی زوج ها مؤثر است. به بیان دیگر، روابط جنسی زوج ها یکی از با اهمیت ترین تکیه گاه های روابط زن و شوهر است که در پرتو آن، صمیمیت بسیار شدیدی ایجاد می شود. در روابط جنسی، مسائل مربوط به دوری یا نزدیکی رابطه زن و شوهر به عمیق ترین شکل بروز می کند و معیاری برای برنامه ریزی در زندگی، تقویت نقاط مثبت و رفع نقایص در سایر روابط آن ها خواهد بود (مؤمن، 1389: 125).

در ازدواج های اجباری یا حتی در ازدواج های غیر اجباری که زن و شوهر از این مسئله بسیار مهم بی اطلاع هستند، رابطه زناشویی نه تنها آثار یاد شده را ندارد، بلکه به مرور زمان، عدم توافق اخلاقی و ناسازگاری های جنسی را در پی خواهد داشت و به جای این که زوج ها را از بی بندوباری و روابط نامشروع بازدارد، خود عاملی برای انحراف جنسی زوج ها می شود (پرادل، 1373: 44). بنابراین می توان گفت اگر چه واکنش قانونی و تعیین مجازات اعدام برای جرائم جنسی می تواند در پیشگیری از آن مؤثر باشد، اما قطعاً شرط کافی برای کاهش این قبیل از جرائم نیست.

## مبحث دوم: قتل عمد

### 1- معنای لغوی و اصطلاحی قتل

قتل، واژه‌ای عربی است که معادل فارسی آن کشتن است (معین، 1386: 1809، واژه قتل). که امروزه اغلب به صورت عربی آن، به ویژه در مکاتبات استفاده می‌شود. واژه قتل در لغت به معنای کشته شدن، دلربا و ... آمده است و در اصطلاح، قتل به کشتن غیرقانونی انسانی توسط انسانی دیگر گفته می‌شود، اعم از این که به صورت عمدی طراحی شده باشد (قتل عمد) و یا این که به صورت تصادفی باشد (قتل غیر عمد) (عنبی، امیری نژاد و مریدی، 1392: 18). فقها در کتاب قصاص و دیات از کتب فقهی با الهامی که از آیات و روایات اسلامی گرفته‌اند، قتل را به سه نوع تقسیم کرده‌اند: «قتل عمد»، «قتل شبه عمد»، «قتل خطا» که به تناسب بحث در این مقاله تنها به قتل عمد پرداخته می‌شود.

امام خمینی (قدس سره الشریف) قتل عمد را این گونه تعریف کرده است: «هو ازهاق النفس معصومه عمداً مع الشرايط الاتيه» (خمینی، بی تا: 508). «بیرون کردن روح معصوم از بدن انسان است، عمداً» که این تعریف را می‌توان بنای تقسیم‌بندی دوگانه انواع قتل‌ها به عامدانه و غیرعامدانه دانست. قتل‌های شبه عمد و خطایی از بخش‌بندی نوع دوم قتل حاصل می‌شود.

### 2- کیفر قتل عمد

در شریعت اسلامی، قصاص کیفر اصلی برای قتل و جرح عمدی قرار داده شده است. قصاص بر وزن فعال (به کسر حرف اول) از «قصّ اثره» یعنی «او را تعقیب کرد» است. علمای لغت، قصاص را دنبال کردن و پی‌گیری نمودن نشانه و اثر چیزی دانسته‌اند و کیفر جانی را از این جهت قصاص گفته‌اند که جنایت جانی به منظور اجرای مانند آن علیه وی دنبال می‌شود (الراغب الاصفهانی، 1423: ق: 671، زیر کلمه قصّ؛ طریحی، 1408: ق: 511؛ قرشی، 1386: 12؛ جرزی ابن الاثیر، 1364: ش: 72؛ محمدی، 1374: 189-188). حقوق دانان اسلامی با توجه به مفهوم لغوی قصاص، آن را استیفاء اثر جنایت تبهکار تعریف کرده‌اند (نجفی، 1363: 7) و مراد از آن را مجازاتی دانسته‌اند که بر جانی تحمیل شده و مثل کاری را که کرده است، درباره‌اش اجرا

کنند (الجبعی العاملی (شهید ثانی)، 1416:ق: 65).

### 3- کارکرد بازدارندگی قصاص نفس در قتل عمد

بی‌شک، مهم‌ترین راهبرد در بحث اعمال مجازات قصاص نفس از سوی دولت‌ها، دست‌یابی به هدف بازدارندگی عام از وقوع جرم قتل عمد است. در این هدف مدعی‌العموم به دنبال آن است که با تهدید اشخاص به‌طور غیرمستقیم و به‌واسطه عقاب مجرمان، به خواسته خود که جلوگیری از انجام این جرم توسط سایر اشخاص است، نائل شود. اما باید گفت اگرچه واکنش قانونی و تعیین مجازات سنگین قصاص نفس برای قتل عمد می‌تواند در پیشگیری از آن بسیار مؤثر باشد، آمارها نشان از آن دارد که مجازات، شرط کافی برای کاهش جرم قتل عمد نیست.

بررسی علل و انگیزه‌های ارتکاب قتل، نشان می‌دهد که به‌طور کلی دو نوع قتل وجود دارد: 1- قتل‌های ناگهانی که غیرقابل پیش‌بینی و غیرمنتظره‌اند و تعداد آن‌ها کم‌تر از نوع دیگر است و 2- قتل‌های مبتنی بر رابطه<sup>۱</sup> و تصمیم قبلی (نجفی‌ابرنده‌آبادی، 1391: 643). در این‌باره باید گفت: اگر ارتکاب قتل با خونسردی و طبق نقشه قبلی انجام شده باشد، در این صورت مرتکب تصور کشف جنایت را به خود راه نمی‌دهد؛ بنابراین موضوع تعیین کیفر اعدام به‌منظور ترس و ارعاب جنایتکاران جهت این‌گونه اشخاص موردی ندارد و در صورتی که ارتکاب قتل طبق نقشه قبلی نبوده و تنها بر اثر یک اتفاق، متأثر از عواملی چون خشم، جنون، هیجانات آنی، خودخواهی و ... به‌وقوع پیوسته باشد (میرمحمدصادقی، 1382: 5)، باز هم مرتکب در موقع ارتکاب جرم به مجازاتی که به‌منظور ترس تعیین شده است، فکر نمی‌کند (امیرعلائی، 1357: 247).

هم‌چنان که در جدول شماره یک ملاحظه می‌شود؛ از مجموع قتل‌های ارتكابی در سال

۱. قتل‌های مبتنی بر رابطه، ناظر به مواردی است که بین قاتل و مقتول رابطه وجود دارد، مانند رابطه خویشاوندی، همسایگی و ... و در نقطه‌ای بحرانی می‌شود و هرگاه به اوج برسد، تبدیل به قتل می‌شود (نجفی‌ابرنده‌آبادی، 1391: 643).

1390 در استان خوزستان<sup>۱</sup>، - به جز درصد مربوط به مرگ مشکوک که علت تامه مرگ مشخص نیست - تنها شش درصد مربوط به قتل‌های اتفاقی (سهوی) و به عبارت صریح‌تر «بدون تصمیم قبلی» بوده است.

### جدول شماره 1: توزیع فراوانی قتل در استان خوزستان در سال 1390

متغیر	درصد
اختلافات خانوادگی	29/9
ناموسی	21/2
مرگ مشکوک <sup>۲</sup>	19/5
اختلافات مالی و ملکی	8/7
سرقت	8/7
سهوی	6
اعتیاد	3/8
انتقام‌جویی	2/2
جمع	100

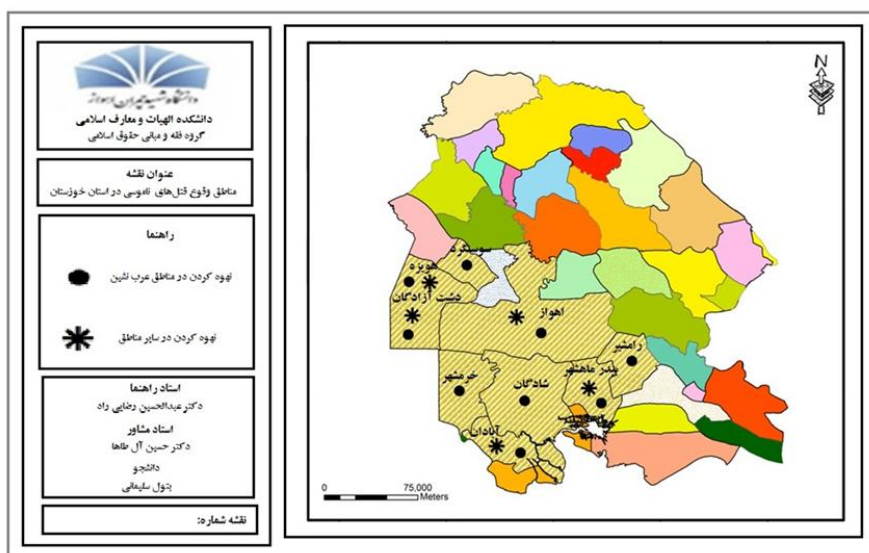
(منبع: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان خوزستان، 1392)

در بررسی علل قتل، ذکر این نکته ضروری است که بیشترین علل قتل‌های استان خوزستان در سال 1390، ریشه در مسائل فرهنگی (قتل‌های ناموسی، خانوادگی و نزاع) دارد؛ به طوری که با بیش از 51/1 درصد، در صدر علل مربوط به قتل در استان خوزستان قرار دارند. قتل‌هایی که با انگیزه‌های ناموسی و یا اخلاقی رخ می‌دهد، به شدت متأثر از

۱. در استان خوزستان، در سال 1390، قتل به ثبت رسیده نسبت به سال 1389، نزدیک به 34/3 درصد افزایش داشته است (دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان خوزستان، 1392).

۲. مرگ مشکوک، به قتل‌هایی اطلاق می‌شود که علت تامه مرگ مشخص نبوده و جهت اثبات وقوع و یا تفکیک از خودکشی نیاز به ادله و قرائن قوی است (دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان خوزستان، 1392).

فرهنگ و سنت عشیره‌ای حاکم بر این جامعه است (جعفری، 1390: 32). در نقشه شماره 1، مناطقی از استان خوزستان که قتل‌های ناموسی در آن‌ها رایج است، نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بیشتر قتل‌ها در مناطق غربی و جنوبی استان خوزستان هستند؛ یعنی در شهرها و روستاهایی که بیشتر جمعیت آن‌ها متأثر از فرهنگ قومی و سنتی عشیره‌ای و بومی خود هستند.



### نقشه شماره 1- مناطق وقوع قتل‌های ناموسی در استان خوزستان

واژه «قتل ناموسی» یا «نهب کردن»، اصطلاح رایجی در میان قبایل استان خوزستان است. «قتل ناموسی» عبارت است از این که خویشاوندان زنی که به زنا، یا رابطه نامشروع و یا پنهانی با فرد غریبه متهم شده است مانند پدر، برادر، شوهر یا پسرعمو به قتل آن زن اقدام می‌کنند (عنبی، امیری‌نژاد و مریدی، 1392: 35-39). در این گونه قتل‌ها، وقتی دختر یا زنی، حتی در حد یک اتهام واهی، مورد سوءظن قرار بگیرد و متهم به داشتن رابطه نامشروع شود، از نظر خانواده‌اش منفور و مطرود می‌شود، مایه ننگ خانواده و عشیره خود می‌شود و بنابراین دستور

قتل او صادر و در اسرع وقت اجرا می‌شود (ستوده، 1383: 56).

در این گونه موارد، مجنی علیه هیچ گونه حامی یا سرپناهی نخواهد داشت. زیرا حامیان وی، خودشان قاتلان او خواهند شد. این که اتهام حقیقت داشته باشد یا نه؟ عملی انجام شده یا نه؟ متأهل باشد یا مجرد؟ هیچ گونه تأثیری نخواهد داشت. حتی در برخی موارد با آن که قبل از ارتکاب قتل، واهی و کذب بودن اتهام و شایعه به اثبات رسیده است، آن هم از ارتکاب قتل مانع نشده و جنایت صورت می‌گیرد (قرائی مقدم، 1379: 82-83).

انجام این گونه قتل‌ها از ارزش و اعتبار زیادی برخوردار است. قاتلان مایه فخر و سرافرازی عشیره و طایفه تلقی می‌شوند و تا آخر عمر با عزت و افتخار زندگی می‌کنند. به بیان دیگر، قاتل عموماً ارتکاب قتل را یک تکلیف می‌داند و به آن با دیده انجام وظیفه و کسب افتخار می‌نگرد. به همین جهت در ارتکاب چنین جنایتی هم از انگیزه بسیار قوی برخوردار است و هم مطمئن است که در رابطه با وقوع قتل ناموسی (که صددرصد عمدی و با نقشه حساب شده قبلی صورت می‌گیرد) هیچ گونه کیفری نمی‌بیند؛ زیرا ولی دم یا خود او است یا او را مجاز به انجام چنین عملی می‌کند و بدین ترتیب فاقد شاکه خصوصی است.

بنابراین، برخلاف همه قتل‌ها، قاتل فراری نیست و به راحتی خود را معرفی می‌کند؛ زیرا از جانب قوم، طایفه و عشیره به عنوان یک «غیرت‌مند» و یک انسان «باشرافت» شناخته می‌شود و احساس غرور و بزرگی می‌کند و همچنین براساس سنت‌ها و آداب و رسوم رایج بر این باور است که خلافتی مرتکب نشده تا کیفر اخروی و دنیوی ببیند (قرائی مقدم، 1379: 85-86). به همین دلیل قتل‌های ناموسی همواره با نهایت نفرت و قساوت همراه است (ستوده، 1383: 56).

با توجه به آنچه گفته شد، باید به این نکته توجه داشت که در قتل‌های خانوادگی و ناموسی، تا زمانی که قاتل با اطمینان خاطر از عدم اجرای اعدام و با نماد قراردادن غیرت و مردانگی و با انگیزه دفاع از کیان خانواده و طایفه، با نهایت قساوت و خشونت مرتکب قتل عمدی

می‌شود که از قبل طراحی شده و سپس خود را مانند یک قهرمان تسلیم قانون می‌کند (ستوده، 1383:56)، نه تنها چنین قتل‌هایی منتفی نخواهد شد، بلکه با گذشت زمان استمرار خواهد داشت و بر اثر «روح جمعی» و تشویق بزرگسالان، آن را نسل اندر نسل به فرزندان خود منتقل می‌کنند (قرائی مقدم، 1379:86).

با توجه به عبارات یادشده باید گفت؛ پدیده قتل که از جمله حادترین انحرافات اجتماعی است، در جوامع و مناطق متفاوت، بسترهای خاص شکل دهنده خود را داشته است و می‌توان گفت در هر مکان، شرایط و عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و ... می‌تواند اثرگذاری ویژه خود را داشته باشد. بنابراین، نباید تنها با رویکرد حقوقی صرف به آن نگرسته شود و اتخاذ نوعی رویکرد تلفیقی در پیشگیری از ارتکاب قتل، ضروری به نظر می‌رسد. مواجهه با جرم قتل از طریق دستگیری و مجازات از طریق سلب حق حیات، مبارزه با معلول است و چاره قطعی کنترل رفتارهای مجرمانه نیست. ضمن این که عدم اعتقاد قاتلان ناموسی به خطاب‌بودن کار خود و اطمینان از عدم واکنش تند و هیجانی اولیاء دم مقتول (بعضاً خود از اولیاء دم هستند) و حتی کسب حمایت اجتماعی - فرهنگی از آن‌ها، جایی برای بازدارنده بودن مجازات باقی نمی‌گذارد. بنابراین قصاص نفس (که در ایران به شیوه اعدام با طناب دار اجرا می‌شود) آن‌طور که باید نتوانسته است برای ایجاد ارعاب و واهمه در نهاد اشخاصی که مصمم به ارتکاب قتل هستند، مؤثر واقع شود.

### مبحث سوم: جرائم مواد مخدر

سیاست جنایی تقنینی ایران در زمینه تعیین کیفر اعدام برای جرائم مواد مخدر، تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته است. تا سال 1290 هجری شمسی، مواد مخدر تابع نظم حقوقی نبود و به عنوان کالای مجاز همانند هر کالای مجاز دیگر مورد خرید و فروش و مصرف قرار می‌گرفت. از سال 1289 دولت به فکر نظم بخشیدن به کشت و مصرف مواد مخدر افتاد. قوانین مصوب، در ابتدا فقط به نحوه کشت مواد مخدر و توزیع آن در میان مردم



پرداختند و در واقع هدف این قوانین ایجاد زمینه‌ای جدید برای گرفتن مالیات از مردم بود. اما با گسترش اعتیاد به مواد مخدر در جامعه ایران در دهه 1960 و فشاری که از طرف جامعه داخلی و مراجع بین‌المللی به دولت وارد شد، دولت ایران را به اتخاذ سیاست جنایی شدیدتری در مقابل قاچاق مواد مخدر واداشت (رحمدل، 1385: 149-150).

دولت ابتدا برای نشان‌دادن شدت عمل خود، مجازات اعدام را در سال 1338 وارد قلمرو مواد مخدر کرد و طی سال‌های 1349 و 1359 این مجازات را در سطحی گسترده اجرا کرد. قانون تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر مصوب 1359، با شدت هرچه تمام‌تر به مدت 8 سال در ایران اجرا شد و در این مدت اشخاص زیادی به اتهام قاچاق مواد مخدر اعدام شدند. اما در سال 1367 مجمع تشخیص مصلحت نظام با تصویب مصوبه مبارزه با مواد مخدر، سیاست جنایی تقنینی در مورد کیفر اعدام را تعدیل کرد. به فاصله 9 سال از تاریخ تصویب مصوبه مبارزه با مواد مخدر، مجمع تشخیص مصلحت نظام ناچار از اصلاح مصوبه مزبور و تشدید و الحاق موادی به آن قانون در سال 1376 شد (رحمدل، 1385: 152-153).

بنابراین، قانون‌گذار در طول سال‌های گذشته همواره با شدت مجازات خواسته است که به اهداف خود برسد (ساکي، 1380: 180) و قصد داشته که با ایجاد رعب و وحشت در دل قاچاقچیان مواد مخدر، ریشه آن را در کشور بخشکاند؛ اما فراموش کرده است که جرم مواد مخدر یکی از جرائم بین‌المللی و جهانی شده است و مهار آن تنها با اعمال مجازات‌های سنگین ممکن نیست.

در پژوهشی که در رابطه با ارزیابی تأثیر کیفر اعدام در روند مبارزه با مواد مخدر در استان کرمان در طول سال‌های 1367 تا 1376 صورت گرفت، نتایج جالب توجهی در رابطه با نظریه بازدارندگی به دست آمده است. این تحقیق که با عنوان «تأثیر اعدام در روند مبارزه با مواد مخدر در استان کرمان (1376-1367)» انجام گرفته است، به ارزیابی تأثیر این

مجازات در «تنبیه و عبرت آموزی دیگران» و نقش آن در کاهش یا عدم کاهش گرایش به ارتکاب جرائم مواد مخدر پرداخته است (غلامی، 1387: 162-163).

براساس یافته‌های این پژوهش، طی سال‌های 1367 تا 1376 به‌طور دائم بر تعداد مجرمان افزوده شده است که حکایت از فقدان تأثیر بازدارندگی عام کیفر اعدام دارد. از جهتی دیگر نیز می‌توان به ارزیابی جنبه بازدارندگی عام این کیفر پرداخت و آن این‌که نه تنها بر تعداد مجرمان جرائم مواد مخدر به ترتیب پیشین افزوده شده است، بلکه بر میزان جرائم ارتكابی و حجم آن نیز افزوده شده است، به گونه‌ای که میزان مواد کشف شده از قاچاقچیان طی سال‌های 1359 تا 1376 مرتب افزایش یافته است. بر این اساس، میزان مواد کشف شده به‌طور میانگین از هریک از قاچاقچیان در سال 1376،  $18/16$  برابر است؛ یعنی از هر قاچاقچی سال 1376، هیجده برابر قاچاقچی سال 1359، مواد مخدر به‌دست آمده است (غلامی، 1387: 165).

براساس آمار، مجموع انواع مواد کشف شده توسط ناجا در استان‌های کشور در سال 1370، 39762 کیلوگرم و در سال 1371، 65942 کیلوگرم و در سال 1372، 90103 کیلوگرم بوده است (مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، 1374). بدین ترتیب، آمار نشان می‌دهد که تعیین و اجرای مجازات اعدام تأثیر بسزایی در کاهش جرائم مواد مخدر نداشته است (ساک، 1380: 186). قاچاقچیان مواد مخدر به اعدام به‌عنوان خطر شغل خود می‌نگرند که تنها اثر آن بالابردن نرخ فعالیت آن‌هاست (میرمحمدصادقی، 1382: 5)، نه مجازاتی که آن‌ها را از ارتکاب جرم باز دارد. با اجرای حکم اعدام، باندهای قاچاق از بین نمی‌روند بلکه فقط فرد مجرم حذف می‌شود و با حذف وی، فرد دیگری جایگزین او می‌شود.

این نکته را نیز باید اضافه کرد که از مجموع بندهای ماده 5 قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب 1389، استنباط می‌شود که مجازات اعدام در مورد جرائم خرید، حمل، نگهداری و اختفاء، هرگز نسبت به کسی که برای بار اول مرتکب جرم شده است اعمال نمی‌شود، حتی

اگر میزان مواد مخدر به چند تن برسد.

این شیوه قانون گذاری، اشخاص قاچاقچی را وادار می کند که در همان مرحله اول، حداکثر مواد مخدر ممکن را قاچاق کنند و اگر تعداد این اشخاص که قصد می کنند فقط یک بار به این کار مبادرت کنند زیاد شود، خود به خود حجم مقدار مواد مخدر ورودی به کشور به نحو تصاعدی افزایش خواهد یافت (ساک، 1382: 81-82). بدین سان، ماده قانونی یاد شده به جای این که وسیله ارباب قاچاقچیان مواد مخدر باشد، موجبات فرار از مجازات اعدام را فراهم کرده است. بنابراین در عمل نه تنها میزان جرائم مواد مخدر کم نشده است، بلکه سیر صعودی هم داشته است.

بنابراین عدم توفیق الگوی کیفی و کاستی های نظریه بازدارندگی مجازات ها که در دو مبحث پیشین به آن اشاره شده است، در این مبحث نیز مورد تأیید قرار می گیرد. براساس پژوهش های انجام شده، تشدید مجازات ها، باعث انصراف قاچاقچیان نمی شود و کشور به یک هم بستگی و تلاش همه جانبه و منسجم برای مهار قاچاق مواد مخدر نیاز دارد (احمدی، 1384: 161).

### نتیجه گیری

بازدارندگی به عنوان یکی از قدیمی ترین و پرطرفدارترین نظریه های توجیهی مجازات همواره در قانون توجه پژوهشگران عرصه کیفی قرار داشته است. سیاست گذاران و به خصوص سیاست مداران، بر نقش مجازات برای مقابله با جرم بسیار تأکید می ورزند. آنان بر این باورند که ترس از مجازات، یکی از عواملی است که می تواند تا حدود زیادی موجب جلوگیری از ارتکاب جرم یا خودداری از تکرار آن شود. اما واقعیت این است که مجازات در حد خود لازم، ولی کافی نیست. نتایج این پژوهش نشان می دهد که تشدید مجازات برای ایجاد ارباب و واهمه در نهاد اشخاصی که مصمم به ارتکاب جرم قتل، جرائم جنسی و

به ویژه جرائم مواد مخدر هستند، مؤثر واقع نشده است. توسل به ابزارهای کیفری و آن هم تشدید مجازات، گرچه آسانترین راه است اما مؤثرترین شیوه نیست.

مواجهه با جرم از طریق دستگیری و مجازات از طریق سلب حق زندگی اجتماعی (حبس) و یا گرفتن حق حیات (اعدام)، مبارزه با معلول است و چاره قطعی کنترل رفتارهای مجرمانه نیست. رویکرد کیفری قانون گذار درباره مجرمان جرائم مواد مخدر، گویای شکست نظام کیفری در پیشگیری از جرائم مواد مخدر است. بنابراین در مقطع کنونی، علت شناسی بروز ناهنجاری‌ها در سطح شهر و سعی در از بین بردن عوامل محیطی و فرصت‌های بزهکاری برای افزایش ایمنی و پیشگیری از بزهکاری یک ضرورت به حساب می‌آید. در رابطه با هر جرمی اگر درک درستی از انگیزه وقوع نوع خاصی از جرم داشته باشیم، می‌توانیم از فرصت‌های وقوع جرم پیشگیری کنیم.

اگر با عوامل ایجادکننده یک جرم، به‌طور جدی مبارزه نشود هرچند که مجازات ارتکاب آن تشدید شود و سنگینی کیفرش افزایش یابد، باز نه تنها تأثیری در کاهش آن نخواهد داشت بلکه نتایجی را که به بار می‌آورد بسیار ناگوار خواهد بود. بنابراین بهترین راه مبارزه که کمال مطلوب است، به کاربرد تدابیر لازم و علمی و عملی است؛ یعنی تحقق بخشیدن به اهداف انسانی، ارائه طریق در نحوه رفتارها و گفتار و عملی کردن روش‌های مبارزه صحیح و دقیق و مدبرانه علیه عوامل ایجادکننده جرم، بازسازی تبهکاران که از نظر داوری‌های سطحی ممکن است غیرقابل اصلاح به‌شمار آیند و بالاخره مجهز شدن به همه وسایل ضروری برای پیشگیری و پیش‌درمانی است که می‌تواند جرم را در جامعه‌ای نابود سازد یا رقم آن را به حداقل ممکن کاهش دهد.

## فهرست منابع

- احمدی، حبیب. (1384). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سازمان سمت.
- امیرعلائی، شمس‌الدین. (1375). *مجازات اعدام*، تهران: کتابفروشی دهخدا.
- بکاریا، سزار. (1377). *رساله جرائم و مجازات‌ها*، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- بولک، برنار. (1372). *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- پرادل، ژان. (1373). *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پیکا، ژرژ. (1370). *جرم‌شناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- جعی عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی). (1416 ق). *مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام*، ج 15، چاپ اول، قم: موسسه المعارف‌الاسلامی.
- جرزى ابن الاثیر، مجدالدین ابی‌السعادات المبارک بن محمد. (1364). *النهايه فی غریب‌الحدیث و الاثر*، ج 4، چاپ چهارم، قم: موسسه اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل. (1423 ق). *معجم مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن*، چاپ دوم، قم: انتشارات ذوی‌القربی.
- ساکی، محمدرضا. (1380). *جرائم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل*، تهران: خط سوم.
- ستوده، هدایت‌الله. (1383). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
- طریحی، فخرالدین. (1408 ق). *مجمع‌البحرین*، ج 3 و 2، چاپ دوم، بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عنبری، علی؛ امیری‌نژاد، حسین و مریدی، ولی. (1392). *جامعه‌شناسی قتل (پژوهشی پیرامون قتل‌های ناموسی)*، چاپ اول، اهواز: نشر تر آوا، به سفارش دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی خوزستان.
- غلامی، حسین. (1387). *تکرار جرم*، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- فرجاد، محمدحسین. (1374). *آسیب‌شناسی و جامعه‌شناسی انحرافات*، بی‌جا: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
- قرشی، علی‌اکبر. (1386). *قاموس قرآن*، ج 6، چاپ یازدهم، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- محمدنسل، غلامرضا. (1387). *مجموعه مقالات پیشگیری از جرم*، تهران: مرکز تحقیقات کاربردی

پلیس پیشگیری ناجا.

- محمدی، ابوالحسن. (1374). **حقوق کیفری اسلام**، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مظلومان، رضا. (بی تا). **جرم‌شناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معین. (1386). **فرهنگ فارسی**، ج 2، چاپ دوم، تهران: انتشارات نامن.
- منصور، جهانگیر. (1392). **قانون مجازات اسلامی**، تهران: نشر دیدار.
- موسوی خمینی، روح‌الله. (بی تا). **تحریر الوسیله**، ج 2، چاپ دوم، نجف الاشرف، مطبعه الآداب.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (1391). **مباحثی در علوم جنایی (تقریرات)**. به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست هفتم.
- نجفی، شیخ محمدحسن. (1363). **جواهرالکلام**، ج 41 و 42، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- جعفری، محمد. (1390). **تحلیل حقوقی قتل‌های ناموسی استان خوزستان (بررسی قتل‌های سال 89)**، فصلنامه دانش انتظامی خوزستان، دوره اول، شماره اول.
- دادبان، حسن، سارا آقایی. (پاییز 1388). **بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم**، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره 39، شماره 3.
- رحمدل، منصور. (بهار 1385). **تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر**، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره 1.
- فرامرزی، سحر. (1388). **بررسی نقش ادراک انصاف در کیفیت زناشویی کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز**، دانشگاه شهید چمران اهواز: پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده.
- قرائی مقدم، امان‌الله. (پاییز 1379). **قتل‌های ناموسی یا «نهوه کردن» در میان قبایل عرب خوزستان**، مجله حقوقی و قضائی دادگستری.
- مؤمن، رقیه‌السادات. (1389). **رابطه ازدواج با غریزه جنسی در اسلام، تعالی حقوق**، سال دوم، شماره 6.
- محمودی جانکی، فیروز و آقایی، سارا. (1387). **بررسی نظریه بازدارندگی مجازات**، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره 38، شماره 2.
- میرزایی مقدم، مرتضی. (1389). **ارزیابی تأثیر شدت و قطعیت کیفرها در پیشگیری از جرم**، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره شانزدهم.
- میرمحمدصادقی، حسین. (فروردین و اردیبهشت 1382). **کنکاشی در تأثیر اعرابی مجازات اعدام**، مجله دادرسی (ماهنامه حقوقی، فرهنگی و اجتماعی سازمان قضایی نیروهای مسلح).
- روزنامه کیهان. (شماره 19984). **چهارشنبه 5 مرداد/ 1390**.
- مرکز آمار ایران، **سالنامه آماری کشور**، 1374.

- مرکز تحقیقات کاربردی ناجا، استان خوزستان، 1392.  
- Oxford University Press, *Oxford WordPower Dictionary*, (2006), Third edition, UK.